

بازتاب مسائل اجتماعی در سریال فرانسوی «معلم»

با تأکید بر مسئله بزهکاری

دکتر احمد بخارایی*، عباس محمدی شکیبا✉

چکیده

سریال‌های تلویزیونی یکی از مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین برنامه‌هایی هستند که در بسیاری از موارد، دستمایه و مضمون روایت داستانی آنها، یک یا چند مسئله اجتماعی است. پرداختن به مسائل اجتماعی خود مقوله‌ای است که ملاحظه‌ها و دغدغه‌های مهمی را در نحوه بازنمایی و بساخت مسائل اجتماعی، ساختار فنی و شیوه‌های داستان‌پردازی می‌طلبد. به نظر می‌رسد سریال داستانی «معلم» نمونه موفق‌تری در نحوه بازتاب مسائل اجتماعی به شمار می‌رود که رویکرد حاکم بر آن، رویکردی جامعه‌گرایانه است. در این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از نظریه‌های اجتماعی شدن، نظریه کنترل اجتماعی و بساخت‌گرایی، دو قسمت از این سریال نمایشی با موضوع کجروی و بزهکاری تحلیل شده است زیرا به نظر می‌رسد موضوع کجروی و بزهکاری، یکی از مسائل مهم اجتماعی است که محیط‌های اجتماعی، بویژه فضاهای آموزشی را درگیر می‌سازد. شیوه بازنمایی مسائل اجتماعی در این سریال، به گونه‌ای است که در پایان هر قسمت، پنداشت‌های نادرست جای خود را به پنداشت‌های درست‌تر می‌دهد و در مجموع، مسئله حادث شده با روش منحصربه‌فرد شخصیت اصلی داستان، به گونه‌ای مرتفع می‌شود که حاصل کار تقویت «پیوندهای اجتماعی» باشد.

کلید واژه‌ها: سریال‌های تلویزیونی، مسئله اجتماعی، کنترل اجتماعی، بساخت‌گرایی

* دکترای جامعه‌شناسی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور
✉ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه پیام نور

Email: amshakiba44@gmail.com

پذیرش نهایی: ۹۴/۵/۵

تجدید نظر: ۹۴/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۳۰

مقدمه

تلویزیون یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها در میان اقشار مختلف مردم است. مطالعات صورت گرفته درباره آثار اجتماعی برنامه‌های تلویزیون را می‌توان در پیوستاری قرار داد که در یک سو، بر آثار منفی تلویزیون دست می‌گذارند و در سوی دیگر، از توان تلویزیون و برنامه‌های آن در آموزش، یادگیری و اکتساب رفتارهای موافق اجتماعی همچون نوع دوستی، همیاری، مشارکت‌پذیری، حل تعارضات اجتماعی، اصلاح کلیشه‌های ذهنی و رفتارهای نامناسب سخن به میان می‌آورند.

مجموعه‌های تلویزیونی داستانی، یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین قالب‌ها در فضای رسانه‌ای جهان امروز به شمار می‌روند؛ این برنامه‌ها کاربرد زیادی برای پر کردن اوقات فراغت مردم در سرتاسر دنیا دارند (شهباز، ۱۳۹۳، ص ۱۱). در سریال‌های تلویزیونی، در قالب یک روایت یا داستان نمایشی، مضمونی دستمایه سریال قرار می‌گیرد و داستان، حول محور آن شکل داده می‌شود. این مضمون می‌تواند یک موضوع فردی تا یک مسئله مهم اجتماعی باشد. پوشش گسترده سریال‌های تلویزیونی در میان گونه‌های مختلف تلویزیونی، شرایط مناسبی را برای طرح مسائل اجتماعی پدید می‌آورد.

جهان امروزی، جهان پیچیده‌ای است، اشکال متفاوت و متنوعی از موضوعات، مسائل و مشکلات در آن رخ می‌دهد که مردم در زندگی روزمره‌شان با آن مواجه می‌شوند. مسائل اجتماعی، به طور دائم بازتولید می‌شوند و بدیهی است که انتظار می‌رود این مسائل به نوعی حل شوند و گرنه، بر روی هم انباشته و تبدیل به بحران یا دشوار مسائل دشوار و غیرقابل حل می‌شوند. در یک نگاه کلی، ورود رسانه‌ها به حیطه بازنمایی مسائل اجتماعی امری بسیار خطیر و مهم است چنان‌که دو نقش متمایز را در این خصوص ایفا می‌کنند، از یک سو، رسانه‌ها با به‌کارگیری نگاهی سطحی و کلیشه‌ای، خود بر شدت و حدت بروز مسائل اجتماعی می‌افزایند و از سوی دیگر، با اتخاذ رویکردی اجتماعی تلاش می‌کنند، از توان و ظرفیت‌های رسانه‌ای حل مسائل اجتماعی کمک بگیرند. این رویکردی است که تمامی رسانه‌های توسعه‌گرا سعی دارند خود را از آن بهره‌مند سازند.

گفتنی است بسیاری از برنامه‌های نمایشی تلویزیون از جمله سریال‌ها با وجود نمایش برخی از مسائل اجتماعی، به دلیل پرداخت نه چندان مناسب ممکن است قادر

نباشند ذهنیت و نگرش مخاطبان خود را با مسائل اجتماعی (از جمله ناهنجاری‌های اجتماعی که در هر جامعه‌ای یافت می‌شود)، به شکل صحیح آشنا سازند. از این رو، تجزیه و تحلیل برنامه‌های موفق تلویزیونی که به نحو مناسبی مسائل اجتماعی را پوشش می‌دهند، اقدامی سودمند است، چه برای آشنا ساختن مخاطبان با مسائل اجتماعی و نحوه مواجهه با آنها و چه برای کمک به دست‌اندرکاران رسانه‌ای در امر اقتباس، الگوبرداری و پرداختن به مسائل اجتماعی در قالب یک برنامه نمایشی.

یکی از مجموعه‌های خارجی موفق که در کشور ما در سال ۱۳۹۳ از شبکه نمایش پخش شد و پیش از آن نیز از شبکه دوم سیما پخش شده بود، سریال فرانسوی معلم است. این سریال محصول مشترک تلویزیون فرانسه و شبکه ۲ سوئیس است که به ماجراهای یک معلم جانشین می‌پردازد. مجموعه معلم در ۵ فصل، شامل ۴۶ قسمت ۹۰ دقیقه‌ای تولید شده است. سریال «معلم» با محوریت یک شخصیت ساخته شده و هر کارگردان، به طور متوسط ساخت دو اپیزود را بر عهده داشته است. همچنین خود ژرار کلاین^۱ نیز که به عنوان بازیگر اصلی در سریال به ایفای نقش پرداخته، کارگردانی دو اپیزود را طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ بر عهده داشته است (به نقل از سایت تی‌یان، ۱۳۸۷).

در این سریال، بسته به موقعیت محلی و مشکلاتی که دانش‌آموزان یا برخی از آنها در مدرسه دارند، مضامینی با الگوی مشخص روایت می‌شود. این مجموعه را می‌توان در شمار «مجموعه‌های تلویزیونی» ناپیوسته به شمار آورد که البته به جز شخصیت اصلی داستان، سایر بازیگران آن بسته به موقعیت مکانی تغییر می‌کنند. شخصیت اصلی این سریال ویکتور نوواک^۲ نام دارد.

مقاله حاضر، با هدف تحلیل محتوای کیفی دو قسمت از سریال معلم (با موضوع بزهکاری نوجوانان) و بازخوانی نحوه بازتاب مسائل اجتماعی در آن تألیف شده است. به نظر می‌رسد که اغلب مسائل اجتماعی دامنه گسترده‌ای دارند و حل آنها به شناخت ریشه‌های ظریف، عمیق و به ظاهر نامرئی‌شان وابسته است؛ بنابراین شایسته است رسانه‌ها و بویژه برنامه‌های تلویزیونی که خواه‌ناخواه، مسائل اجتماعی را بازتاب می‌دهند، با اعمال ظرافت و دقت بیشتر در تمامی مراحل ساخت و تولید، برنامه‌های

1. Gerard Klein

2. Victor Novak

تلویزیونی به نحوی عمل کنند آثار مثبتی بر ذهنیت، آگاهی و نگرش‌های خود در حوزه مسائل اجتماعی بر جای گذارند.

هرچند برای تدوین این مقاله، اکثر قسمت‌های سریال مشاهده شده است، به دلیل آنکه در هر قسمت، مسائل یا موضوعات اجتماعی گوناگونی دستمایه داستان قرار می‌گیرد تنها دو قسمت از سریال که در آنها به موضوع مهم و خطیر بزهکاری نوجوانان، هنجارگریزی آنها و آسیب‌ها و مخاطرات این امر پرداخته می‌شود، انتخاب و تجزیه و تحلیل شده است. انتخاب این دو قسمت، با رویکرد نظری پژوهش - یعنی نظریه کنترل اجتماعی هیرشی - بی‌مناسبت نیست. شایان ذکر است که این سریال با وجود عنایت به مسائل مختلف اجتماعی در قسمت‌های مختلف، از الگوی واحدی (چه به لحاظ فنی و ساختاری و چه به لحاظ الگوی روایت) پیروی می‌کند.

در جهان پیچیده و پر از مسئله امروزی، جایگاهی که رسانه‌ها در زندگی افراد دارند، مردم و رسانه‌ها هیچ‌یک نمی‌توانند نسبت به مسائل اجتماعی بی‌تفاوت باشند، ضمن اینکه بسیاری از مسائل اجتماعی ما نیز ناشی از پنداشت‌ها و رفتارهای نادرستی هستند که در پیش می‌گیریم. آنچه ضرورت این مقاله را توجیه می‌کند، آموزش نحوه مواجهه و انعکاس مسائل اجتماعی در این سریال است که می‌تواند به عنوان الگو مورد استفاده قرار گیرد. بدون تردید، ویژگی‌های فنی این سریال نیز از اهمیت لازم برخوردار است، اما آنچه برجسته‌تر به نظر می‌رسد، درک روزآمد و بالای سازندگان این مجموعه از مسائل و مشکلات جهان اجتماعی و نحوه واکافی یا کنار آمدن با آنهاست.

ادبیات نظری پژوهش

در این بخش بر سه دسته از نظریه‌ها تأکید می‌شود، نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی، یکی از نظریه‌های اصلی در طرح مسائل اجتماعی است؛ نکته اصلی نظریه این است که مادام که افراد، یک پدیده را واقعی می‌پندارند، پیامدهای آن نیز واقعی می‌نماید، از سویی، آنچه رسانه‌ها عرضه می‌دارند، به لحاظ ماهیت تا حدود زیادی برساختی است، از این رو، اگر در مسائل اجتماعی و انعکاس آن علاقه‌مند به تغییر در نگرش‌های رایج و مرسوم باشیم، به ناچار، مناسب‌ترین رویکرد در تحلیل مسائل اجتماعی، رویکرد برساختی است. نظریه جامعه‌پذیری رسانه‌ها، یک الگوی هنجاری از رسانه‌ها در

مواجهه با مسائل اجتماعی ارائه می‌دهد و نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، به دلیل کارآمدی و مؤثر بودن در تحلیل اجتماعی موضوع بزهکاری، با ساختار این سریال در تناسب است. گفتنی است هر سه این نظریه‌ها به نوعی با هدف تحلیلی نویسنده هم‌جهت هستند.

برساخت‌گرایی اجتماعی. برساخت‌گرایی اجتماعی در جامعه‌شناسی در سازه‌گرایی معرفتی ریشه دارد. در این مکتب، واقعیت مستقل از ذهن بشر، به عنوان موجودی مستقل وجود دارد؛ اما معنا و معرفت نسبت به آن همواره ساخته انسان است (یوسفیان و موسوی کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰). مطالعه پدیده‌های اجتماعی نیاز به تفهم جهان اجتماعی دارد که مردم از طریق فعالیت‌های روزمره خود آنها را تولید و بازتولید می‌کنند. به این ترتیب، انسان‌ها پیوسته درگیر تفسیر جهان خودشان هستند (محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۳۲۳).

برساخت‌گرایی در مقابل ذات‌گرایی قرار می‌گیرد که ساختار واقعیت را جدا از ذهن انسان در نظر می‌گیرد (همان، ص ۱۳۲). برساخت‌گرایی اجتماعی به دنبال کار برگر و لاکمن، در پی ترسیم سرشت اجتماعی پدیده‌ها و نشان دادن بی‌پایگی اسطوره‌های «طبیعی بودن» یا «ذاتی بودن» است (ریتزر، ترجمه نایی، ۱۳۹۳، ص ۸۶۶). این رویکرد بر بعد ذهنی مسائل اجتماعی تأکید دارد. اسپکتور و کیتوز مدعی‌اند مسائل اجتماعی همان چیزهایی است که مردم آنها مسئله اجتماعی تصور می‌کنند. شرایط عینی که ممکن است وجود داشته باشد یا نداشته باشد، مورد علاقه آنها نیست. آنها با تأکید بر بعد ذهنی، تمام توجه خود را به فرایند تعریف معطوف می‌کنند و اینکه چه کسانی اولین گام را در تعریف یک وضعیت به عنوان یک مسئله برمی‌دارند، چه نوع تعریفی ارائه می‌دهند، چگونه دلایل خود را به دیگران عرضه می‌کنند و دیگران چگونه به آنها واکنش نشان می‌دهند (راینگتن^۱ و واینبرگ^۲، ترجمه صدیق سروستانی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۶).

نظریه‌های جامعه‌پذیری رسانه. رسانه‌ها عوامل بسیار مهم جامعه‌پذیری ملی و فرهنگی محسوب می‌شوند (روزنگرن^۳، ۱۹۹۲، ص ۲۴). نظریه‌های مختلف جامعه‌پذیری بر این نکته تأکید دارند که چگونگی رویارویی طولانی مدت با رسانه‌ها به ما در مورد جهان و نقشمان در آن آموزش می‌دهد (هاریس^۴، ترجمه اسدزاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

1. Rubington

2. Weinberg

3. Rosengern

4. Haris

نقش جامعه‌پذیری رسانه‌ها به این معناست که رسانه‌ها ارزش‌ها و هنجارهای مقبول و جا افتاده اجتماعی را از رهگذر پاداش و تنبیه نمادین برای انواع رفتار به مردم یاد می‌دهند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

رسانه‌های جمعی بخصوص رسانه‌های تصویری، منبع اصلی یادگیری اجتماعی هستند (باندورا^۱، ۲۰۰۲، ص ۱۴۰). رسانه‌ها اغلب به عنوان پلی بین زندگی شخصی و جهان اجتماعی عمل می‌کنند و عاملی قدرتمند در جامعه‌پذیری ما هستند. ما، خودمان و جایگاه‌مان در جامعه را از طریق رسانه‌ها فهم می‌کنیم و به همین دلیل، برای ایفای وظایف و کارکردهای اجتماعی‌مان در جامعه، ناگزیر از توجه به رسانه‌ها و درک محتوای آنها هستیم (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۸). ظرفیت اندیشیدن انسان‌ها به صورت انتزاعی یا نمادین، رسانه‌ها را در موقعیت منبع اطلاعاتی مهم تسهیل‌کننده یادگیری مشاهده‌ای و افزایش خود اثربخشی برای اجرای رفتارهای معین قرار می‌دهد (نابی^۲ و اولیور^۳، ترجمه مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۳۰۷).

تأثیر رسانه‌های جمعی در زندگی روزانه شهروندان، محدود به تقویت یا تغییر نگرش‌ها و رفتارها نیست، بلکه می‌تواند منجر به کسب آن دسته از ارزش‌ها و الگوهای رفتاری شود که از آنها به آثار اجتماعی رسانه‌ها تعبیر می‌کنند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا (انسان‌ها بیشتر آنچه را که برای راهنمایی و عمل در زندگی نیاز دارند، صرفاً از تجربه و مشاهده مستقیم یاد نمی‌گیرند، بلکه عمده آنها به طور غیرمستقیم و بویژه از طریق رسانه‌های جمعی آموخته می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

نظریه شناختی اجتماعی ادعا می‌کند که در اصل، برای اینکه محتوای رسانه‌ها به شکل مثبت بر رفتارهای مخاطبان تأثیر بگذارد، مخاطبان باید به الگوهای آشنا یا جذاب که به طور واقع‌گرایانه رفتارهای مرتبطی را از خود به نمایش می‌گذارند، توجه کنند. الگوهای درگیر در رفتارهای مثبت، باید به گونه مثبت و در مقابل، الگوهای منفی باید به گونه منفی تقویت شوند (نابی و اولیور، ترجمه مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۳۰۷).

در این قبیل موارد، نمایش رسانه‌ای رفتار ممکن است در محقق ساختن تغییرات اجتماعی و شخصی مثبت؛ نقش سازنده‌ای داشته باشد. نظریه شناختی اجتماعی، هم در

1. Bandura

2. Nabi

3. Oliver

بررسی تأثیرات ناخواسته رسانه‌ها و هم در مطالعه تأثیرات عمدی و به طور عمده مثبت نمایش‌های رسانه‌ای، کاربرد دارد که البته در اینجا، بر سویه دوم این نظریه تأکید شده است (همان، ص ۳۰۷).

ما به متون رسانه‌ای که با زندگی، نیازها و منافع شخصی‌مان ارتباط دارد، توجه می‌کنیم. پس آنچه را آموختیم، به خاطر می‌سپاریم و به ذخایر شناخت پیشین اضافه می‌کنیم تا در موقع لزوم آن را به یادآوریم. اگر عمل مشاهده شده را به خاطر نداشته باشیم، اجرای الگوبرداری ممکن نیست. فرایند تولید، یعنی کاربرد عملی آموخته‌ها که به پاداش و تنبیه منجر می‌شود، بازتولید صحیح نتیجه آزمون و خطاست. در نهایت، انگیزه برای ادامه مسیر بیشتر یا کمتر می‌شود (تن^۱، ترجمه بدیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶).

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی. یکی از مضامین این سریال که به طور مشخص در دو قسمت به آن پرداخته شده است، مسئله کجروی و بزهکاری است. در مواجهه با مسئله کجروی، دیدگاه‌های نظری و تبیینی مختلفی در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات، دیدگاه کنترل اجتماعی تراوس هیرشی است. هیرشی می‌گوید که دل‌بستگی، تعهد، مشارکت و باور، چهار متغیر کنترل‌کننده رفتار فرد به جمع‌اند. پس جامعه با مداخله باید در شکل‌گیری آنها، فرد را از حس پایداری عمیق به پیوندهای درست سرشار کند (سلیمی، ۱۳۸۶)؛ یعنی از نظر هیرشی، ضعف در پیوندهای اجتماعی، باعث می‌شود که اجتماع کنترل خود را بر افراد از دست بدهند؛ کاهش یا حل کجروی نیاز به تقویت پیوندهای گروهی دارد، کاری که در این سریال، بویژه در دو قسمت انتخابی آن به خوبی مشاهده می‌شود.

هیرشی، ماهیت کجروی را نوعی غلبه خواسته‌های فردی در زمان ضعف اقتدار جمع می‌داند و از سوی دیگر، با مطرح کردن نقش ابزارهای درونی کنترل، بر عنصر جامعه‌پذیری و یادگیری تکیه می‌کند و به این گونه کجروی را پیامد کاستی‌های این دو فرایند و ماهیت آن را از نوع آموخته‌های آنها می‌داند (رابرتسون^۲، ۱۳۷۲، به نقل از معیدفر و مقدم، ۱۳۸۹). هیرشی پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمارد و معتقد است جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن، وابستگی‌های متقابل و قومی

1. Tan

2. Robertson

وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن همبستگی محکمی با یکدیگر، قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود. هیرشی معتقد است بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به طور کلی از بین بروند. وی این قیود را تحت عنوان چهار مفهوم کلی وابستگی، تعهد، مشارکت و باورها خلاصه می‌کند (همان، ص ۱۲۱).

«وابستگی» بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. «تعهد» حاکی از میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر عهده خود می‌داند. به تعبیر دیگر، هیرشی بر آن است که هر قدر فرد، در محیط‌هایی مانند محیط تحصیل، اشتغال، خانه، محله و مانند آن، نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیشتری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود، با دیگران هم‌نوا بماند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۳۲۹). «مشارکت» نیز بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. به نظر هیرشی، همین مشارکت‌ها، فرد را در معرض انواع اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند؛ و سرانجام «باورها» میزان اعتقاد فرد را به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه نشان می‌دهند و حاکی از وفاداری او به این ارزش‌ها هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). طبق نظریه کنترل اجتماعی، ارتکاب جرم و بزهکاری و قانون‌شکنی، نتیجه ضعف و از کارافتادگی یا غیبت پیوند اجتماعی یا فرایند جامعه‌پذیری است (وارداک^۱، ۲۰۰۰ به نقل از معیدفر و مقدم، ۱۳۸۹).

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بوده است و با توجه به هدف مورد نظر، یعنی تجزیه و تحلیل یک سریال از رویکرد برساخت‌گرایی در شناخت مسائل اجتماعی بهره گرفته شده است. به طور کلی، دو دیدگاه متفاوت برای تحلیل مسائل، ناهنجاری‌ها، انحرافات و جرم در جامعه وجود دارد، نخست، رویکردی که صبغه ساختاری دارد و متغیرهای تبیین‌کننده انحرافات و جرائم را در ساختارهای کلان

جامعه می‌بیند و سپس رویکردی که بر عوامل موقعیتی تأکید دارد (مهدوی و عباسی اسفجیر، ۱۳۸۷، ص ۱۴). نظریه کنترل اجتماعی هیرشی در زمره رویکرد دوم قرار می‌گیرد. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی دلیل کجروی را سست شدن کنترل می‌داند و این سؤال را مطرح می‌کند که علت هم‌نوایی چیست، زیرا آنچه موجب کج رفتاری می‌شود، فقدان همان چیزی است که باعث هم‌نوایی خواهد شد. هیرشی پایه‌گذار این نظریه، موضوع پیوندهای اجتماعی را مطرح می‌سازد. به اعتقاد او، گرفتاری زمانی آغاز می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود (هیرشی، ۱۹۴۶ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱). هیرشی معتقد است، چهار عنصر اصلی، باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود که فقدان آنها نقش اساسی در درگیر شدن و گرفتار شدن نوجوانان به بزهکاری دارد: ۱. «وابستگی» بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. ۲. «تعهد» بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس دینی است که فرد نسبت جامعه بر عهده خود می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۳۲۹). ۳. «مشارکت» بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است (همان، ص ۳۲۹). ۴. «باورها» بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، اعتقاد او به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری‌اش به آنهاست (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، صص ۹۱-۹۰). دیدگاه هیرشی در سطح عام، برای تحلیل آن دسته از مسائل اجتماعی که مربوط به سست شدن پیوندهای اجتماعی است، به‌کار گرفته می‌شود اما در سطح خاص، با تحلیل کجروی اجتماعی مناسب دارد.

روش پژوهش

تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (شیئه^۱ و شانون^۲، ۲۰۰۵).

این مطالعه با استفاده از تحلیل محتوای عرفی انجام شده است که در آن هدف، شرح یک پدیده است، پژوهشگر بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه،

نوشتن تحلیل را آغاز می‌کند و این کار ادامه می‌یابد تا پیش‌زمینه‌هایی برای ظهور رمزها آغاز شود. این عمل اغلب موجب می‌شود که طرح‌ریزی رمزها از متن ظهور یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی و تحلیل انجام شود. در مقاله حاضر از این نوع تحلیل محتوا بهره گرفته شده است.

در ابتدا تمامی قسمت‌های سریال مورد بازبینی قرار گرفت، اما با توجه به ساختار مشابه قسمت‌ها، در نهایت دو قسمت که به موضوع کجروی و بزهکاری پرداخته بودند، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند.

مسئله اجتماعی. وجود وضعیت خاصی که کیفیت زندگی و ارزش‌های قابل احترام مردم را تهدید می‌کند و مردم به وجود آن اذعان و توجه دارند و موافق درمان آن هستند (بخارایی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷).

پل هرتن و گرهارد لنسکی. وضعی که عده کثیری از افراد را طوری مبتلا ساخته است که نامطلوب به نظر می‌رسد و چنین احساس می‌شود که می‌توان در پرتو یک اقدام اجتماعی دسته‌جمعی کاری درباره آن صورت داد (همان، ص ۱۰۹).

یافته‌های پژوهش

هر قسمت سریال به سه بخش قابل تقسیم است؛ مرحله عادی و سامان اولیه که با ورود معلم جایگزین (نواک) آغاز شده است و طی آن، معلم با دانش‌آموزان و محیط آشنا می‌شود. در همین بخش است که او متوجه وجود مسئله، ناهنجاری یا مشکلی در میان یک یا چند دانش‌آموز می‌شود که از محیط زندگی، مناسبات اجتماعی محل یا خانواده آنها ناشی شده است. در این مرحله تلاش می‌کند با مسئله آشنا شود و راهی برای مداخله مؤثر پیدا کند که البته در اغلب با مانع یا بحران روبه‌رو می‌شود. در مرحله سوم، تلاش‌های او به تدریج جواب می‌دهد و می‌تواند نقش مؤثر خود را ایفا کند و با کمک افراد ذی‌مدخل در ماجرا، به حل مشکل کمک کند. آنچه میان مرحله نخست سریال و مرحله آخر برجسته است تفاوت زاویه‌های دید افراد و پنداشت‌های آنان نسبت به موضوع است. گویی معلم توانسته است با استفاده از ظرفیت‌های ذهنی افراد، تشویق آنها به مشارکت، استفاده از امکانات و نهادهای عمومی و بهره‌مندی از آیین‌ها، اعتقادات و ارزش‌های مسلط، بر بحران فائق آید. به منظور آشنایی با داستان سریال، قسمت‌هایی از آن انتخاب شده و خلاصه داستان‌ها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- خلاصه داستان قسمت‌های انتخاب شده

نام قسمت	خلاصه داستان
تحصیل به چه درد می‌خورد	داستان درباره دو نوجوان است که یکی به دلیل بی‌مسئولیتی پدر و افتادن بار زندگی بر دوش مادر، نظارت و حمایت لازم را از سوی خانواده ندارد و دیگری که زندگی مرفهی دارد اما در خانواده او همواره پول و ثروت بر تحصیل اولویت داده می‌شود. در این خانواده نیز نظارت و حمایت لازم وجود ندارد. دوستی دو نوجوان با بچه‌های بزرگ‌تری که رفتارهای بزهکارانه دارند و نفرت از درس و مدرسه برای آنها و خانواده‌هایشان مشکل‌ساز می‌شود.
سیلی	داستان نوجوانی است که در هنگام تولد، مادرش را از دست داده است و به همین جهت پدر رابطه خوبی با وی ندارد و پیوسته در مدارس شبانه‌روزی بوده است. اکنون پدر او را به اجبار به خانه آورده است، اما نوجوان نه در خانه و نه در مدرسه به کسی اعتماد دارد و نه ارتباط دوستانه با کسی دارد و فکر می‌کند که هیچ‌کس او را دوست ندارد. او به شدت پرخاشگر و انتقام‌جوست و در حادثه‌ای باعث آسیب دیدن معلم اصلی کلاس شده که اکنون معلم جایگزین به جای او آمده است. او برای رهایی از وضعیت خود به همراهی با نوجوان بزرگ‌تر معتاد و بزهکار گرایش دارد. معلم از یک طرف سعی در حل مشکل پدر وی دارد و از سوی دیگر با صبر و محبت و راهنمایی، نوجوان را به جمع و خانواده نزدیک می‌کند.

در هر قسمت، شخصیت اصلی داستان با موضوعات و مسائل مختلفی روبه‌رو می‌شود که فرایند آموزش را مختل می‌سازد. این مسائل تنها در مدرسه نمود پیدا نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن، خانواده‌های دانش‌آموزان، اجتماع یا مقامات محلی و اولیای مدارس را درگیر می‌کند. پیرامون این مسائل، در اجتماع محلی نگرش‌های متفاوتی وجود دارد که به حاد شدن قضیه می‌انجامد. در مجموع، مضامین اصلی یا مسائلی که قسمت‌های مورد اشاره سریال به آنها می‌پردازد عبارت‌اند از: طرد، انزوا، اختلافات خانوادگی، بزهکاری، فاصله اجتماعی و ضعف پیوندهای اجتماعی، ناکارآمدی شیوه‌های آموزشی و

البته مضامین فرعی دیگری نیز در سیر داستانی خود را نشان می‌دهد؛ برای مثال نارسایی حمایت نهادهای اجتماعی از فرودستان، سوءظن و تحقیر نسبت به فرودستان و گروه‌های حاشیه‌ای، پنداره‌ها، قضاوت‌ها و برداشت‌های نادرست، خشونت کلامی و فیزیکی، ناآگاهی از بیمارهای خطرناک و نحوه مواجهه درست با آنها، ترس همگانی، فشارهای اجتماعی، پرهیز از دروغ و احترام به انتخاب‌های یکدیگر، رعایت حقوق دیگران با تأکید بر حقوق عاطفی، طرح مفاهیم همدلانه و همکاری در بین دانش‌آموزان، ناکارآمد بودن روش‌های قانونی در مواجهه با نوجوانان، پنداره‌های منفی اهالی نسبت به یکدیگر و مانند آن. البته مضامینی که سریال بر مبنای آن شکل گرفته، گاه مشترک است به گونه‌ای که مواردی چون شیوه‌های برخورد با دانش‌آموزان، کلیشه‌های ذهنی نادرست، فاصله اجتماعی، هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و لزوم تقویت پیوندهای اجتماعی بارها و بارها مورد تأکید قرار گرفته‌اند. با وجود اینکه این سریال فضای فرهنگی دیگری را به تصویر می‌کشد، مذاقه در مضامین اصلی و فرعی بیانگر این نکته است که آن مسائل، در شمار مسائل روزمره‌ای است که برای همگان ملموس و قابل درک است.

مشاهده سریال البته نشان می‌دهد که چاره‌جویی در برابر مسائل رخ داده آسان نیست و با موانعی جدی روبه‌رو می‌شود. شاید مهم‌ترین آن، برداشت‌ها و قضاوت‌ها، رفتارها و کنش‌های جاافتاده‌ای است که خود بر شدت و حدت مسائل می‌افزاید. شاید آنچه باعث می‌شود که مسائل به نمایش درآمده، راه به سامان برند و مشکلات، به تدریج، به سوی حل شدن پیش روند، در ویژگی‌ها و خصوصیات باشد که برای شخصیت اصلی داستان در نظر گرفته شده است. ویژگی‌هایی چون فرصت دادن به بروز قضاوت‌های دانش‌آموزان، بویژه در مدرسه، حساسیت و مسئولیت‌پذیری نسبت به رویدادها، مناسبات و مشکلات، نه تنها در مدرسه بلکه در اجتماع محلی، گشودن دریچه‌های تازه برای نگرستن به مسائل، نگاه انتقادی و در عین حال، سعی در ترویج صحیح آن، برانگیختن مشارکت و کنش‌های همدلانه، گفتگو و مذاکره، کمک جستن از نهادهای محلی، خانواده‌ها و دانش‌آموزان، ترویج ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، درک متقابل و به‌کارگیری روش‌های مسالمت‌آمیز. به‌کارگیری ماهرانه روش‌های یاد شده علاوه بر اینکه به حل مسائل کمک می‌کند، آموزش مناسبی را برای

حل این دست مشکلات به همراه دارد. در بخش پایانی هر قسمت، گره‌های روایت داستانی به تدریج باز می‌شوند و برای مسائلی که در ابتدا حل نشدنی به نظر می‌رسیدند، راه‌حل مناسب یافته می‌شود.

جدول ۲- مضامین اصلی و فرعی، جامعه و ذی‌مدخلان درگیر، موانع، روش‌های

به‌کار گرفته شده برای حل مسئله و نتیجه هر قسمت داستان

نام قسمت		مقولات
سیلی	تحصیل به چه درد می‌خورد	
بزهکاری نوجوان و دلیل گرایش او به کجروی	بزهکاری / ضعف پیوندهای اجتماعی / کارایی و کارآمدی نظام آموزشی و مقایسه شیوه‌های تحکیم‌گرایانه با شیوه‌های ملایم و مشارکت‌طلبانه	مضمون اصلی
پرهیز از خشونت و روش حل مجادله / فرق ترس با ضدخشونت بودن / اهمیت نظارت والدین و ارتباط آنها با بچه‌ها / تبعات تنبیه بدنی / اصلاح اطلاعات غلط درباره معتاد، قاچاقچی و جرم / اهمیت روز تولد و توجه به آن از طرف دیگران / بخشیدن دیگران و تشکر و قدردانی از کسانی که برای ما کاری می‌کنند / ابراز درست احساسات / اهمیت گفتگو و پرهیز از پنهانکاری / تغییرپذیر بودن انسان‌ها / ضرورت لزوم صبر و آرامش در زندگی اجتماعی / تبعات پنهانکاری / دوست داشتن حیوانات	پنداره‌های منفی اهالی نسبت به یکدیگر / غیرقابل کنترل بودن نوجوانان امروزی / تخریب و صدمه زدن به اموال و افراد / سوءظن و بدگمانی / رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی / مسئولیت‌ناپذیری	مضامین فرعی
فضای شهری بزرگ / دانش‌آموزان مدرسه / اولیای دو شخصیت اصلی نوجوان فیلم / اولیای مدرسه / مقامات قانونی و قاضی / بزهکاران و معتادان جوان یا نوجوان	شهر کوچک یا روستا ذی‌مدخلان. اولیای مدرسه، اهالی محل، مقامات محلی، دانش‌آموزان و معدود نوجوانان بزهکار	ویژگی‌های جامعه و ذی‌مدخلان

ادامه جدول ۲

نام قسمت		مقولات
سیلی	تحصیل به چه درد می‌خورد	
نبود تمایل به گفتگو در میان افراد/ پنهانکاری شخصیت‌های اصلی/ فقدان همدلی و رابطه محبت‌آمیز/ بی‌توجهی والدین به نقش کنترل‌کننده و راهنمایی‌کننده خود/ بی‌توجهی اولیای مدرسه به مسائل و مشکلات دانش‌آموزان	باورهای موجود درباره تحصیل و تحصیلکرده‌ها/ اولویت کسب پول نسبت به تحصیل/ نبود همکاری و بی‌توجهی به مشکلات دیگران	موانع موجود
احترام به نظرهای دیگران/ تشویق دیگران به گفتگو و پرهیز از پنهانکاری، صبر و آرامش در مقابل پرخاشگری و تهمت/ مشارکت دادن بچه‌ها در کلاس برای آموزش نحوه حل مسائل/ یادآوری نقش والدین به آنها/ اصلاح باورهای غلط/ پرسش و پاسخ در کلاس درباره مشکلات/ تشویق به آرامش/ توجه به خواسته‌ها و احساسات دیگران	طرح بحث در کلاس و ایجاد زمینه پرسش نقادانه درباره مسائل/ به پرسش افکندن باورهای موجود/ مداخله مؤثر/ پرهیز از پیشداوری و رفتارهای سوگیرانه/ گوش دادن به نظرها مختلف/ ارائه پیشنهاد/ ایجاد همدلی و همکاری برای رفع مشکل	روش به کار گرفته شده
شکل‌گیری گفتگو بین افراد/ بخشش دیگران و بخشش خود/ تقویت ارتباط نوجوان با پدر/ شکل‌گیری روحیه تشکر و قدردانی/ درس گرفتن از گذشته به جای منزوی شدن/ جایگزینی صبر و محبت به جای خشم و نفرت/ ضرورت توجه به مهارت‌های ارتباطی برای یک معلم	تغییر دآوری‌ها و پنداره‌ها/ ناکارآمد نشان دادن روش‌های کنترل قهری (پلیس و ...) / درون‌فهمی/ مشارکت اجتماعی (فکری و عملی) اهالی و ذی‌مدخلان/ تقویت پیوندهای اجتماعی و حمایت اجتماعی/ برجسته کردن اهمیت تحصیل و توجه به آن	نتیجه

در دو قسمتی از این سریال که به طور اختصاصی به موضوع بزهکاری نوجوانان می‌پردازد، آشکارا می‌توان دید بزهکاری وضعیتی است که از ضعف پیوندهای افراد با جامعه ناشی می‌شود، به این ترتیب، جامعه و نهادهای آن توان نظارت کافی بر افراد را از دست می‌دهند. بر اساس مفاهیم چهارگانه نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، زیر مقولات مفاهیم، استخراج و در جدول ۳ آمده است. اگر بزهکاری نتیجه ضعف پیوندهای اجتماعی باشد، راه حل مقابله با آن نیز تلاش در راه تقویت پیوندهای

اجتماعی از طریق ایجاد وابستگی، تعهد، باور و مشارکت است. این همان وضعیتی است که در این سریال به خوبی دیده می‌شود.

جدول ۳- مفاهیم بازنمایی شده و مقولات آن در سریال معلم بر اساس نظریه هیرشی

مفاهیم	قسمت تحصیل به چه درد می‌خورد	قسمت انتقام
	زیر مقولات	زیر مقولات
وابستگی	نوجوان رابطه خوب و نزدیکی با والدینش ندارد/ نوجوان رابطه خوبی با اکثر بچه‌های کلاس ندارد/ پدر و مادر رابطه خوبی با نوجوان ندارند/ او دوستان کمی دارد/ رابطه پدر و مادر نامناسب است/ پدر و مادر به نیاز عاطفی نوجوان توجه ندارند و او وقتی به مشکل برخورد می‌کند، کسی را ندارد/ پدر الگوی مناسبی در خانه برای نوجوان نیست/ نوجوان ارتباط مناسبی با معلم و کادر مدرسه ندارد/ نظارت خانواده ضعیف است یا اصلاً وجود ندارد.	نوجوان خود را کاملاً تنها احساس می‌کند/ احساس می‌کند که هیچ‌کس او را نمی‌خواهد/ او رابطه خوبی با پدر ندارد/ ترجیح می‌دهد خانه را ترک کند/ کسی را ندارد که به او تکیه کند/ نوجوان ارتباط مناسبی با بچه‌های کلاس و معلم ندارد/ نظارت پدر بسیار ضعیف است/ نوجوان علاقه‌ای به ادامه زندگی ندارد و سابقه تهدید به خودکشی دارد/ نیاز عاطفی وی مورد غفلت واقع شده/ سال‌ها به جای خانه در شبانه‌روزی بوده است.
تعهد	به قانون مدرسه احترام نمی‌گذارد/ اهمیتی به پیشرفت تحصیلی نمی‌دهد/ مدرسه را به دلخواه به طور موقت ترک می‌کند/ اهمیتی به تغییر معلم و شیوه تدریس نمی‌دهد/ فعالیت‌های جمعی مدرسه را به تمسخر می‌گذراند و سعی در به هم زدن آن می‌کند/ به قانون احترام نمی‌گذارد، دروغ می‌گوید/ به چیزی که مال او نیست، صدمه می‌زند/ بدون اجازه از وسیله نقلیه دیگری استفاده می‌کند/ چیزی را که مال او نیست، برمی‌دارد/ نسبت به حقوق دیگران بی‌تفاوت است/ به احساسات و محبت دیگران اهمیتی نمی‌دهد/ هدف مشخصی برای خود ندارد.	به قواعد مدرسه توجهی ندارد/ از مدرسه بی‌اجازه خارج می‌شود یا غیبت می‌کند/ کار و فعالیت مفید و برنامه‌ریزی شده ندارد/ در خیابان‌ها پرسه می‌زند/ دروغ می‌گوید/ تهمت می‌زند/ پنهانکاری می‌کند/ با دیگران دعوا می‌کند/ به دیگران صدمه می‌زند/ مسخره می‌کند یا به احساسات دیگران لطمه می‌زند/ از دیگران متنفر است/ تحصیل برایش اهمیت ندارد/ ارزشی برای زندگی قائل نیست.

ادامه جدول ۳

مفاهیم	قسمت تحصیل به چه درد می‌خورد	قسمت انتقام
	زیر مقولات	زیر مقولات
تعهد	<p>به قانون مدرسه احترام نمی‌گذارد/ اهمیتی به پیشرفت تحصیلی نمی‌دهد/ مدرسه را به دلخواه به طور موقت ترک می‌کند/ اهمیتی به تغییر معلم و شیوه تدریس نمی‌دهد/ فعالیت‌های جمعی مدرسه را به تمسخر می‌گذراند و سعی در به هم زدن آن می‌کند/ به قانون احترام نمی‌گذارد، دروغ می‌گوید/ به چیزی که مال او نیست، صدمه می‌زند/ بدون اجازه از وسیله نقلیه دیگری استفاده می‌کند/ چیزی را که مال او نیست، برمی‌دارد/ نسبت به حقوق دیگران بی‌تفاوت است/ به احساسات و محبت دیگران اهمیتی نمی‌دهد/ هدف مشخصی برای خود ندارد.</p>	<p>به قواعد مدرسه توجهی ندارد/ از مدرسه بی‌اجازه خارج می‌شود یا غیبت می‌کند/ کار و فعالیت مفید و برنامه‌ریزی شده ندارد/ در خیابان‌ها پرسه می‌زند/ دروغ می‌گوید/ تهمت می‌زند/ پنهانکاری می‌کند/ با دیگران دعوا می‌کند/ به دیگران صدمه می‌زند/ مسخره می‌کند یا به احساسات دیگران لطمه می‌زند/ از دیگران متنفر است/ تحصیل برایش اهمیت ندارد/ ارزشی برای زندگی قائل نیست.</p>
مشارکت	<p>وقت کمی را با خانواده می‌گذارد، یا اصلاً جدا از خانواده است/ با خانواده گفتگوی سالم ندارد/ در فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه شرکت نمی‌کند/ تعاملی یا گفتگویی با معلم ندارد/ با سایر بچه‌ها همدلی، همفکری یا گفتگوی سالم ندارد / بیشتر وقتش را تلف می‌کند.</p>	<p>در مدرسه یا جمع هم‌نوابی ندارد/ در خانه نمی‌تواند فعالیت و تجربه مشترکی با پدر داشته باشد/ تمایلی به گفتگو ندارد/ وقتش را با کسانی که خودشان مشکل دارند (مانند دوست بزرگ‌تر معتاد) می‌گذراند/ بین خود و دیگران فاصله ایجاد می‌کند/ بی‌اعتماد و بدبین است/ در تصمیم‌گیری‌ها با هیچ‌کس مشورت نمی‌کند/ شخصاً تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند/ برای اشتباهات عذرخواهی نمی‌کند.</p>

ادامه جدول ۳

مفاهیم	قسمت تحصیل به چه درد می خورد	قسمت انتقام
	زیر مقولات	زیر مقولات
باور	به بزرگ ترها احترام نمی گذارد/ به معلم و کادر مدرسه احترام نمی گذارد/ به قوانین اجتماع یا مدرسه اهمیتی نمی دهد/ خانواده از نظرش جای امن و مورد احترامی نیست/ به مجریان قانون احترام نمی گذارد/ در گفتار و رفتار اصول اخلاقی را رعایت نمی کند/ به تحصیل و ارزش های مترتب بر آن اهمیت نمی دهد/ مشارکت و همکاری با دیگران برایش بی ارزش است/ قبول و پذیرش هنجاری دوستان بزهکار	اهمیتی به نظم و قاعده مدرسه نمی دهد/ برای معلم و اولیای مدرسه احترامی قائل نیست/ اهمیتی برای خانه و خانواده قائل نیست/ به صداقت و درستی پایبند نیست/ معتقد است همه با او بد هستند/ اهمیتی برای زندگی و خوب بودن قائل نیست/ تمایل به دوستی با بزهکاران دارد.

تحلیل نهایی

آنچه در این سریال مطرح می شود، بحث حمایت های اجتماعی است. ارتباط سالم افراد در اجتماع زمانی معنی پیدا می کند و تداوم می یابد که در بستر اجتماع و برخوردار از این حمایت ها باشد و گرنه، افراد، فراموش، طرد یا به انحراف کشیده می شوند. به بیان هیرشی، تضعیف پیوندهای اجتماعی، زمینه را برای فاصله گرفتن افراد از یکدیگر، کاهش کنترل اجتماعی و بروز ناهنجاری ها مهیا می کند.

در این سریال اغلب با دو گونه طرز تفکر رایج در مواجهه با مسئله یا مشکل روبه رو هستیم که هر دو، ناکارآمد نشان داده می شوند. در یک سطح، شخصیت های سریال، شیوه های مواجهه فردی را با موضوع دنبال می کنند اما از سوی دیگر، نشان داده می شود که شیوه های مرسوم مواجهه با مسائل (مانند نهادهای قانونی، اجرایی و حمایتی) کمک چندانی به حل مسائل نمی کنند زیرا هم با نارسایی روبه رو هستند و هم نسبت به روابط انسانی بی توجه اند. این سریال سطحی میانه را پیش می گیرد، با وجود اینکه بسیاری از

مسائل، ریشه در بی‌سامانی و بی‌سازمانی اجتماعی دارند و از عمومیت برخوردارند، راه‌حلی جز تقویت اجتماع محلی، فعال‌گرایی و بالا بردن زمینه‌های مشارکت، تقویت پیوندهای اجتماعی و تأکید بر ارزش‌های مشترک انسانی و همچنین برگرفتن نگاهی تازه به مسائل ندارند؛ یعنی، مشکل زمانی حادتر می‌شود که پیوندهای اجتماعی سست شوند؛ به همین ترتیب، ریشه حل مسائل نیز در نگاه همدلانه، مشارکت و مسئولیت‌پذیری مدنی است.

درواقع شیوه‌ای که در این سریال برای حل مسائل استفاده می‌شود مشتمل است بر: تقویت پیوندهای اجتماعی از طریق «ارتقای وابستگی افراد به یکدیگر (بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است)، تعهد (بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر عهده خود می‌داند)، مشارکت (بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است) و باورهای مشترک (بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، اعتقاد او به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری‌اش به آنهاست)» (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۹۱).

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه ما به تعبیری، با انبوه مسائل و مشکلات اجتماعی روبه‌روست، مسائلی مانند: مسائل مختلف شهرنشینی، فاصله طبقاتی، فقر، نابرابری و نبود فرصت‌های برابر، کجروی، آشفتگی، نابهنجاری و ... مسائل اجتماعی دامنه‌ای گسترده دارند و مانند دانه‌های زنجیر به هم وابسته‌اند؛ از این رو، حل آنها نیز به شناخت ریشه‌های ظریف، عمیق و به ظاهر نامرئی‌شان بستگی دارد. سرعت تغییر و شکل‌گیری فرایندها مسائل نوپدید، ایجاب می‌کند تا رسانه‌ها- بویژه رادیو و تلویزیون- در انعکاس، انتشار مسائل و رویدادهای اجتماعی دارای سیاست اجتماعی مشخصی باشند. این موضوعی است که رسانه‌های داخلی ما از فقدان آن رنج می‌برند.

رسانه‌ها تأثیرات گسترده‌ای بر ادراک و شناخت دارند (هاریس، ترجمه اسدزاده و همکاران، ۱۳۹۰). طرح، بازتاب، بازنمایی و برساخت مسائل اجتماعی از رسانه تلویزیون حساسیت‌ها، اهمیت و ملاحظات خاص خود را دارد. خواه‌ناخواه تلویزیون

در برنامه‌های نمایشی خود از جمله مجموعه‌های تلویزیونی تولید داخل یا خارجی، خود انواع مسائل اجتماعی را بازتاب می‌دهد، گاه با شیوه‌ای مناسب و مطلوب و گاه با شیوه‌ای نه چندان مناسب. واضح است که اولی می‌تواند به شکل‌گیری ذهنیت مناسب در خصوص مواجهه با مسائل اجتماعی و بهبود و درمان آن کمک کند و دومی، نه تنها در این مهم می‌ماند بلکه ممکن است بر شمار مسائل اجتماعی جامعه بیفزاید «طبیعی بودن» یا «ذاتی بودن» است (ریتزر، ترجمه نایبی، ۱۳۹۳، ص ۸۶۶). برساخت‌گرایی اجتماعی وجود یا نبود یک مسئله را در ذات آن نمی‌بیند و ادعا می‌کند بر اساس نوع نگاه و برخورد ما ساخته می‌شود و برای تحلیل آن نیز مهم‌ترین مقوله، تعریف ما از آن است. البته چگونگی این تعریف و بویژه کسانی که تعریف را ارائه می‌دهند در شکل‌گیری مسئله و تبدیل یک موضوع به مسئله نقش مهمی دارد (رکوعی، ۱۳۹۳). مطابق این دیدگاه، تصورات ما درباره جامعه، مناسبات اجتماعی و مسائلی که در جامعه وجود دارد، برساختی است تلفیقی از تجربه شخصی، الگوهای از قبل شکل‌گرفته و آنچه رسانه‌ها اشاعه می‌دهند.

این مجموعه می‌تواند الگوی مناسبی برای ساخت برنامه‌های ناظر بر مسائل اجتماعی باشد، یعنی مسائلی که به گروه‌های مختلفی از مردم به انحای مختلف ربط می‌یابد. برخی از ویژگی‌های این سریال به شرح زیر است:

- این سریال مبتنی بر رویکرد حل مسئله و آموزش آن، تغییر نگرش‌های ناهماهنگ و جایگزینی نگرش‌های همسو است. این رویکرد در کل قسمت‌های سریال دنبال می‌شود.

- بسیاری از مسائلی که در جامعه با آن روبه‌رو می‌شویم، نتیجه نوع تعریفی است که از موضوع داریم و با تغییر نوع نگاهمان به مسائل اجتماعی می‌توان راه‌هایی برای حل مسائل پیدا کرد. خصوصیت شخصیت اصلی مجموعه (معلم جایگزین) در این است که اجازه می‌دهد دانش‌آموزان از زاویه نگاه خود، به توصیف، شرح و قضاوت درباره موضوعاتی که با آن روبه‌رو می‌شوند، پردازند. او به تدریج، با نشان دادن پیامدهای این نوع نگاه و بازگشودن این امر که از راه‌های دیگری نیز می‌توان به مسائل نگریست، تلاش می‌کند نگاه و ذهنیت آنان را به سمت مناسب‌تری متوجه سازد و برای مشکلات پیش‌آمده با همکاری دیگران، راه‌حل‌های مناسبی پیدا کند، یعنی مشارکت افراد را برای فائق آمدن بر یک مشکل برانگیزد.

- ویژگی‌های مهمی که برای شخصیت معلم جایگزین در نظر گرفته شده، این امکان را فراهم می‌آورد که نقش مؤثری در حل مسائل بر عهده بگیرد. مواردی چون توان ارتباطی قدرتمند، توجه به تربیت در کنار آموزش، در پیش گرفتن روشی دموکراتیک در مناسبات و در حین حال، پیروی از برخی اصول در منش زندگی، حساس بودن نسبت به مسائلی که در محیط اجتماع با آن روبه‌رو می‌شود، ارتباط صمیمی با اهالی، داشتن نگاهی متفاوت و تازه به مسائل، جلب مشارکت فکری و عملی افراد، نوع دوستی و تلاش برای کمک کردن و در عین حال، مزاحم نبودن، از جمله ویژگی‌هایی است که برای نقش او در نظر گرفته شده است.

- در مواجهه با مسائل اجتماعی، ساختار و کنش او در سطح میانه قرار می‌گیرد و تلاش می‌کند با مشارکت اهالی و در برخی موارد، نهادهای اجتماعی محلی یا دانش‌آموزان، به حل مسئله پیش‌آمده کمک کند.

- این سریال مبتنی بر منطق گفتگوست و طی آن، دیدگاه‌های متعارضی امکان رویارویی می‌یابند؛ افراد و گروه‌های مختلف که بدیهی است نظرها، دیدگاه‌ها، روش‌ها و رویه‌های متفاوت یا حتی متعارضی دارند. سعی می‌شود تا حد امکان مواضع، رویه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت به هم نزدیک شوند. در چنین شرایطی، رعایت احترام، حرمت گذاردن و پرهیز از اهانت، بی‌احترامی و برچسب‌زدن، به طور جدی رعایت می‌شود.

داستان روایتی این سریال، با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی انطباق دارد. هیرشی بزهکاری و کجروی را ناشی از ضعف پیوندهای اجتماعی می‌داند و معتقد است که حل برخی مسائل اجتماعی همچون کجروی، جز با تقویت پیوندهای اجتماعی و کنترل و نظارت سازوکارهای نهادی درون جامعه و بازیگران آن امکان‌پذیر نیست. همچنان که نظریه کنترل اجتماعی هیرشی تأکید می‌کند، بروز مسائل و ناهنجاری‌های اجتماع و بزه، ناشی از ضعف «پیوندهای اجتماعی» است. این پیوندها از طریق چهارعنصر «وابستگی»، «تعهد»، «درگیری» و «باور یا اعتقاد» تقویت می‌شوند (مهدوی و عباسی اسفجیر، ۱۳۸۷، ص ۱۴). در واقع معلم جایگزین با تقویت و بازسازی «پیوندهای اجتماعی» است که می‌تواند مسائل پیش‌آمده را سامان‌مند کند. شخصیت اصلی این سریال پیش‌تر قاضی دادگاه نوجوانان بوده، همچنان که خود گاهی اذعان می‌کند، به

قضاوت نشستن و محکوم کردن و مقصر دانستن نوجوانانی که نشانه‌هایی از بزه را بروز می‌دهند، راه‌حل مناسبی برای بازگرداندن آنها به جامعه نیست، زیرا این کار، یعنی برچسب زدن و طرد کردن آنها از جامعه، به وخیم‌تر شدن اوضاع می‌انجامد، باید از جایی ریشه‌ای‌تر به حل مسائل پرداخت که وی آن را مدرسه و آموزش می‌داند و به همین دلیل نیز شغل معلمی را برگزیده است تا بتواند با به‌کارگیری روش‌های سودمندتر در آموزش و تربیت، به بازتولید و برقراری پیوند نوجوانان با اجتماع کمک کند. به همین دلیل است که در این سریال، بارها روش‌های نظارت قهری ناکارآمد نشان داده می‌شود. بویژه آنکه تغییرات ایجاد شده در جوامع امروزی، به ازدیاد فاصله اجتماعی، دور شدن افراد از یکدیگر و نوعی فردگرایی بیمارگون منجر شده است. همچنان که در بحث نظریه کنترل اجتماعی اشاره شد، هیرشی پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی یا تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمارد و معتقد است جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن، وابستگی‌های متقابل و قومی وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن بستگی محکمی با یکدیگر ندارند، قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود.

این سریال نشان می‌دهد که آموزش از جنبه‌های دیگر زندگی همچون تربیت سالم، داشتن ارتباطات مناسب و برخورداری از کیفیت زندگی، جدا نیست؛ بنابراین با ایجاد بازتولید پیوندهای اجتماعی، وابستگی به یکدیگر و اجماع حول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، نوع دوستی، سنت‌ها و آیین‌های پیونددهنده و تقویت پیوندها از طریق مشارکت و همدلی، می‌توان شرایط مطلوب‌تری برای زندگی و حل مسائل و ناهنجاری‌ها فراهم کرد. یافته‌ها در تطابق با تأکید نظریه کنترل اجتماعی بر تقویت و توجه به شبکه ارتباطات انسانی است. همان‌طور که در سریال نیز همواره نگاه انسانی به مسائل و همدلی، همکاری و همفکری، در مقابل نگاه خشک و انعطاف‌ناپذیر قوانین خودساخته جامعه بشری مورد تأکید قرار گرفته و راه‌حل مسائل اجتماعی در به‌کارگیری روش‌هایی دانسته شده که کلیت انسان و زندگی اجتماعی را در مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی در نظر می‌گیرند.

پیچیدگی مسائل جامعه ما، وجود گروه‌های متعارض و ناهمسو و نیز خصلت بازتولید شونده مسائل اجتماعی جامعه که یکی از مقتضیات عصر حاضر است، ایجاب می‌کند که رسانه‌ها در رویارویی و انعکاس مسائل اجتماعی با بهره‌گیری از شکل‌ها و

ساختارهای متنوع برنامه‌سازی، به بازنگری جدی در سیاست‌های اجتماعی تولید و پخش برنامه‌های خود پردازند. گونه و ساختار نمایشی این امکان را به عوامل برنامه‌ساز می‌دهد که پیام اجتماعی مورد نظر را در شرایطی کنترل‌شده، به سمع و نظر مخاطبان برسانند. نیم‌نگاهی به الگوهای موفق برنامه‌سازی و گرت‌برداری صحیح از آنها به تولید برنامه‌های بهتر کمک می‌رساند. سریال معلم، هم‌الگویی موفق برای کسانی است که از دست‌اندرکاران تولید برنامه‌های تلویزیونی هستند و هم برنامه‌ای است که مخاطبان می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم از آن تأثیر بگیرند و ضمن فراگیری مجموعه‌ای از مهارت‌های لازم، با زوایای گوناگون مواجهه با مسائل اجتماعی آشنا شوند.

منابع

- بخارایی، احمد. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی انحرافات در ایران*. تهران: جامعه‌شناسان.
- تبیان. (۱۳۸۷). سریالی با هشت کارگردان. بازیابی شده از: سایت تبیان.
- تن، الکسیس. (۱۳۸۸). *نظریه‌ها و پژوهش‌های ارتباط جمعی* (ترجمه نعیم بدیعی). تهران: همشهری.
- سلیمی، علی. (۱۳۸۶). جستجوی درونمایه‌های یک نظریه اجتماعی کجروی بر اساس آموزه‌های قرآنی. *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، ۱۵ (۵۷ و ۵۶).
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شهباء، محمد. (۱۳۹۳). عناصر روایت در مجموعه‌های تلویزیونی. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین. (۱۳۹۰). *رویکردهای نظری در بررسی مسائل اجتماعی* (ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رکوعی، فاطمه. (۱۳۹۳). *برساخت اجتماعی درد*. بازیابی شده از: سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، <http://www.anthropology.ir/node/18021>
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناختی* (ترجمه هوشنگ ناییبی). تهران: نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم، مبانی روان‌شناسی اجتماعی*، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژرفتاری اجتماعی. تهران: آن.

معدفر، سعید و مقدم، غلامرضا. (۱۳۸۹). نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نابهنجار اجتماعی در شهر. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۲).
محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). روش در روش، درباره ساخت معرفت در علوم انسانی. تهران: جامعه‌شناسان.

ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
مهدوی، محمدصادق و عباسی اسفجیر، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی - خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۱ (۱).
مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۹). نظریه‌های رسانه، دیدگاه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: همشهری.

نابی‌ال. رابین و اولیور، ماری. بث. (۱۳۹۳). فرایندها و تأثیرات رسانه‌ها (ترجمه سیدمحمد مهدی‌زاده). تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
هاریس، ریچارد جکسون. (۱۳۹۰). روان‌شناسی شناختی وسایل ارتباطات جمعی (ترجمه حسن اسدزاده و همکاران). تهران: مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما.
یوسفیان، نوید و موسوی کریمی، میرسعید. (۱۳۸۹). سازه‌گرایی معرفتی و برساخت‌گرایی اجتماعی. فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱ (۱).

Bandura, A. (2002). **Social Cognitive Theory of Mass Communication**, In J. Bryant and D. Zillman (eds). *Media Effects: Advances in Theory and Research*. Hills date.NJ: Erlbaum.

Hsieh, H. & Shanon, S.E. (2005). Three Approaches to Content Analysis, **Quantitative Healt Research**, Vol. 15, No. 9.

Rosengren, K.E. (1992). **Advances in Content Analysis**. London Sage Publication.

Wardak, A. (2000). **Social Control and Deviance: a South Asian Community in Scotland**. Ashgute publishing ltd.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی